

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۲

هزار و سیصد و هشتاد و شش - نیمسال دوم

مقالات

- حقیقت و مجاز حقوق هسته‌ای ایران در پرتو قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت
- بررسی روابط حقوقی طرفهای اعتبار اسنادی الکترونیک
- ممنوعیت جمع مشاغل در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه
- شرکتهای خصوصی نظامی و امنیتی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه
- تشخیص بزه سیاسی و تأثیر رویه دیوان عالی کشور بر آن در فرانسه
- مطالعه تطبیقی تعزیر خصوصی با نظریه کیفر خصوصی متجاوز به حقوق معنوی

موضوع ویژه: حقوق راهنمایی و رانندگی

- تأثیر قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در قانونمداری رفتارهای اجتماعی
- پیوند قواعد بیمه‌ای و حقوق حوادث رانندگی
- حقوق و تکالیف عابران پیاده در ترافیک
- نگاهی به راهکارهای قانونی حمایت از عابر پیاده
- جنایت غیر عمدی ناشی از تقصیر در رانندگی
- سازمان ملل متحد و مقابله با «بحران جهانی سوانح رانندگی»

نقد و معرفی

- نقدی بر قانون جدید ثبت اختراعات (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳)
- نقش اینترپل در مبارزه با قاچاق بین‌المللی مواد مخدر





جنایت غیر عمدی ناشی از تقصیر در رانندگی

مطالعه‌ای در ماهیت جنائی و طبقه‌بندی

قاسم محمدی*

چکیده: هرچند قانون مجازات اسلامی در بخشهای قصاص و دیات جنایات را به عمدی، شبه عمدی و خطایی تقسیم می‌کند، اما در لابه‌لای قانون با عناوین دیگری چون قتل غیر عمدی مواجه می‌شویم که در مقایسه با تقسیم یاد شده مبهم به نظر می‌آیند. جنایتهای غیر عمدی ناشی از تقصیر در رانندگی که در فصل بیست و هفتم کتاب پنجم قانون مذکور آمده‌اند از این دسته‌اند. نوشته حاضر با ریشه‌یابی این اصطلاح در قوانین پیشین و مقایسه نسبت آن با تقسیم سه‌گانه قانون مجازات اسلامی، جنایت ناشی از تقصیر در رانندگی را جرم مستقلی در عرض تقسیم یاد شده ندانسته و آن را به عنوان قتل در حکم شبه عمد شناسایی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، تقصیر، جنایت در حکم شبه عمدی، جنایت شبه عمدی (شبییه عمد)، جنایت ناشی از تقصیر در رانندگی، قتل غیر عمدی.

درآمد

ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

«هرگاه بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسائط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت

* سردبیر مجله حقوقی دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع).

مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود».

در ادامه مواد ۷۱۵، ۷۱۶ و ۷۱۷ انواع دیگر صدمه ناشی از رانندگی را یادآور شده (علاوه بر پرداخت دیه) مجازات خاصی را برای هر یک تعیین می‌نماید. در نهایت ماده ۷۱۸ با برشمردن صورتهای تشدید مجازات دادگاه را به تعیین مجازات برای مرتکبان جنایات یادشده به میزان بیش از دوسوم حداکثر مجازات مذکور در هر ماده مکلف می‌کند. این مواد عنوان قتل یا صدمه بدنی غیر عمدی (جنایت غیر عمدی)^۱ را به کار می‌برند، حال آنکه مواد ۲۰۴ و ۲۷۰ قانون یادشده قتل و قطع عضو یا جرح (جنایت) را در سه گونه عمدی، شبه عمدی و خطایی محصور کرده ادای از جنایت غیر عمدی نمی‌کند. سؤالی که در این میان مطرح خواهد شد آن است که نسبت میان جنایتهای موضوع مواد ۷۱۴ تا ۷۱۷ با تقسیم سه گانه فوق چیست؟ آیا جنایات موضوع این مواد در مقابل جنایت عمدی قرار داشته و هر دو گونه شبه عمدی و خطایی را در برمی‌گیرد یا گونه چهارمی از جنایت در کنار گونه‌های سه گانه یادشده است یا نوع خاصی از یکی از دو گونه جنایت شبه عمدی و خطایی را مدنظر دارد. متون حقوقی موجود از کنار این مسأله عبور کرده‌اند، زیرا برخی حقوقدانان بدون پاسخ‌گویی به این پرسش به تحلیل ارکان این نوع جنایت پرداخته‌اند،^۲ برخی آن را در عرض تقسیم سه گانه یادشده دانسته‌اند^۳ و برخی دیگر بررسی آن را فرو گذاشته‌اند.^۴

با توجه به اینکه قواعد عمومی جنایات در بخشهای قصاص و دیات آمده و جنایت ناشی از تصادف رانندگی در بخش تعزیرات مطرح شده است، ناگزیر باید نظام حاکم بر دو بخش یادشده بررسی شده و نسبت میان آنها شناسایی شود؛ زیرا دو بخش نخست بیشتر متأثر از منابع فقهی و بخش اخیر متأثر از سوابق قانون‌گذاری پیشین است. پرسشی

۱. واژه عمد و خطا وضع اراده و آگاهی فرد نسبت به فعل را بیان می‌کنند و بهره‌گیری از آنها به عنوان وصف رفتار دور از دقت است. مناسب آن است که در این مقام قالب وصفی عمدی و خطایی (خطئتی) به کار رود.

۲. حسین میرمحمدصادقی، *حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص*، تهران: نشر میزان، چاپ اول: ۱۳۸۶.

۳. حسین آقایی‌نیا، *حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص*، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴. محمدهادی صادقی، *حقوق جزای اختصاصی (۱)، جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)*، تهران: نشر میزان، چاپ اول: پائیز ۱۳۷۶.

که در این زمینه به میان می‌آید این است که واژه جنایت غیر عمد چگونه به دایره واژگانی قانونگذار راه یافته و در شرایط موجود با انواع سنتی قتل در فقه و در نتیجه مواد ۲۰۴ و ۲۷۰ قانون مجازات اسلامی چه نسبتی می‌یابد.

نوشتار حاضر می‌کوشد ابتدا با بررسی تقسیم فقهی جنایات و سوابق قانون‌گذاری پیشین و شیوه راهیابی اصطلاح غیر عمد به زبان قانونگذار مفهوم این اصطلاح را تبیین کند و سپس به بررسی سرنوشت آن در نظام حقوقی فعلی بپردازد.

۱. جنایت غیر عمدی در فقه امامیه

قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران - بویژه در قلمرو کیفری - متأثر از فقه امامیه است و توجه به خاستگاه فقهی مباحث حقوقی نکته‌ای کلیدی در حل مسائل مطرح شده در آن به‌شمار می‌آید. چندانکه اصل چهارم قانون اساسی از سویی فهم فقهی را بر اطلاق و عموم قوانین حاکم می‌سازد و از سویی دیگر فقهای شورای نگهبان را به ارزیابی مصوبات مجلس در خصوص انطباق با موازین اسلامی می‌گمارد. اصل یکصد و شصت و هفتم نیز همین مسیر را پیموده، منابع و فتاوی معتبر فقهی را در حکم قانون قرار می‌دهد.^۵ فقیهان جرائم علیه جان و جسم آدمی را جنایت نامیده‌اند و به حسب نوع صدمه،^۶ شیوه وقوع جرم^۷ و وضعیت رکن روانی تقسیم‌بندی‌های گونه‌گونی از آن ارائه کرده‌اند. تقسیم جرائم به عمد و غیر عمد ناظر به وضعیت رکن روانی جرم است که تقسیم متداول ایشان در این حوزه تقسیم سه‌گانه مشهور «عمدی، شبه عمدی و خطایی» است که در قانون مجازات اسلامی^۸ نیز مدنظر قرار گرفته است. اساساً نظریه رکن روانی در فقه در

۵. قانونگذار با تصویب مقرراتی چون ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) به صراحت این اصل را در قلمرو امور کیفری نیز جاری می‌داند. از این رو اگر نخواهیم اصل یاد شده را معارض با اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها بدانیم لاجرم باید منابع و فتاوی معتبر فقهی را در حکم قانون بیانگریم.

۶. بر این مبنا جنایت به قتل، قطع عضو، جرح (سر و بدن) و ازاله منافع... تقسیم می‌شود.

۷. بر این مبنا جنایت ذیل عنوان مباشرت و تسبیب و... مورد بررسی قرار می‌گیرد. نک: جعفر بن حسن حلی [محقق حلی]، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج ۲، تهران: انتشارات استقلال، الطبعة الثالثة:

۱۴۱۲ هـ ق، ص ۹۷۱.

۸. مواد ۲۰۴ و ۲۷۰.

ضمن تقسیم‌بندی قتل به عنوان مصداق عالی جنایت مطرح می‌شود و به مصادیق دانی آن (مانند صدمه بدنی) و سپس دیگر جرائم توسعه می‌یابد. موقعیت تقسیم یاد شده که ریشه در روایات دارد^۹ در میان امامیه از شهرت درمی‌گذرد و اجماعی به‌شمار می‌آید.^{۱۰} در میان عامه نیز اغلب تقسیم سه‌گانه فوق پذیرفته شده است.^{۱۱} برخی حنفیان به رغم نظر ابوحنیفه «ما جری مجری الخطأ» یا افزون بر آن «قتل به سبب» را نیز بدین سه عنوان افزوده‌اند.^{۱۲} گروهی نیز چون مالک^{۱۳} جنایات را در عمدی و خطایی محدود کرده آنچه شبه عمدی می‌دانیم جزء عمدی می‌شمارد. در میان شافعیان نیز ابن حزم به صراحت جنایت را دو نوع می‌داند^{۱۴} و اصطلاح شبه عمد را - که به عمد الخطأ تعریف می‌کند - نمی‌پذیرد.^{۱۵} در تقسیم جنایات بر اساس رکن روانی با مبنا قرار گرفتن وضعیت ذهنی فرد نسبت به رفتار منجر به جنایت و نتیجه حاصل از آن، مسأله عمد و قصد مورد توجه قرار می‌گیرد. گاهی فرد دارای هر دو وصف عامد و قاصد است یا یکی را دارد و فاقد دیگری است یا هیچکدام از دو وصف را ندارد.

البته باید توجه داشت که فقیهان قصد نتیجه را به‌طور مطلق مدنظر نداشته و آن را در ارتباط با رفتار واقع شده می‌دانند. بدین معنا که قصد تنها زمانی در وضعیت روانی فرد

۹. نک: محمد بن حسن الحر العاملی، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۲۹، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام لاحیاء التراث، الطبعة الثانية: ۱۴۱۴، صص ۳۷ و ۳۹ و ۴۰ [ابواب القصاص فی النفس، باب ۱۱، حدیث ۶ و ۱۱ و ۱۵]؛ همچنین نک: حسین نوری الطبرسی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۸، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام لاحیاء التراث، الطبعة الاولى: ۱۴۰۷، ص ۲۲۳ [ابواب القصاص فی النفس، باب ۱۱، حدیث ۲ و ۳].
۱۰. محمدحسن نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۲، تهران: مکتبه الاسلامیه، الطبعة السادسة: ۱۳۹۸، ج: ۴۲، ص ۴.
۱۱. محمد بن حسین [ابویعلی] فرآء، *الاحکام السلطانیة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الثانية: ۱۴۰۶ هـ. ق، ص ۲۷۲؛ عبدالقادر عوده، *التشريع الجنائی الاسلامی*، ج ۲، بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الثالثة عشر: ۱۴۱۵ هـ. ق، ص ۷.
۱۲. محمد ابوحسان، *احکام الجرمه و العقوبه فی الشریعه الاسلامیه*، الزرقاء [اردن]: مکتبه المنار، الطبعة الاولى: ۱۴۰۸ هـ. ق، ص ۴۲۸؛ عبدالقادر عوده، *نفس المصدّر*، ج ۲، ص ۷.
۱۳. مالک ابن انس، *الموطأ*، بیروت: دارالجلیل، الطبعة الثانية: ۱۹۹۳.
۱۴. علی بن احمد [ابن حزم]، *المحلی*، ج ۱۰، قاهره: مکتبه دارالتراث، ص ۳۴۲. (ابن حزم این کتاب را بر مکتب فقه شافعی نوشته، اما بعدها خود ظاهری مذهب شده است. نک: دایره المعارف بزرگ اسلامی - ج ۳).
۱۵. همان، ص ۲۷۸.

مورد توجه قرار می‌گیرد که نتیجه مورد انتظار از رفتارش را دربرگیرد و ملازم آن باشد. از این رو آنچه باید برای اثبات قاصد بودن فرد ثابت شود آن است که فرد از طریق عملی که سبب اصلی جنایت قلمداد می‌شود قصد انجام جنایت واقع شده را داشته است^{۱۶} و داشتن تصمیم قبلی برای جنایت به تنهایی برای عمدی تلقی شدن جرم واقع شده کافی نیست و تنها می‌تواند اماره‌ای بر عمدی بودن آن باشد.

از سوی دیگر فرد باید در رفتار خود مرتکب تقصیر شده باشد تا عمل وی جرم تلقی شود از این رو اگر به موجب وضعیتی که موجودی انسانی در مسیر تحقق آنها حضور داشته فردی دچار آسیب جانی یا جسمی شود اما انسان مذکور نه عمدی نسبت به عمل داشته و نه در آن خطا کار بوده باشد مانند آنکه بی‌اختیار و اراده از بلندی بر فرد دیگر بیفتد و بر اثر آن صدمه‌ای ایجاد شود شخص مورد بحث جانی نبوده، مسؤولیتی در قبال آسیب و صدمه واقع شده نخواهد داشت.^{۱۷}

بدین ترتیب برای فرد از نظر ذهنی سه صورت قابل فرض خواهد بود: ۱. عامد در فعل و قاصد نتیجه؛ ۲. عامد در فعل بدون قصد نتیجه؛ ۳. خاطی در فعل بدون قصد نتیجه؛ فقیهان صورت نخست را عمد صورت دوم را شبه عمد و صورت سوم را خطا نامیده‌اند.

فرض چهارمی نیز قابل تصور است که «خاطی در فعل با قصد نتیجه» است اما با توجه به توضیحی که آمد نمی‌تواند مورد پذیرش باشد، زیرا نمی‌توان عملی را فرض کرد که به خطا واقع شده باشد و فرد از طریق آن قصد انجام جنایتی را داشته باشد. در بررسی منابع فقهی مشاهده می‌شود که به‌رغم محصور شدن جنایات در سه صورت عمدی، شبه عمدی و خطایی در بدو امر، در لابه‌لای مباحث با عناوین دیگری چون عمد محض، خطای محض، شبه خطا، در حکم شبه عمد و در حکم خطای محض برخورد می‌کنیم که نسبت میان این عناوین با عناوین سه‌گانه یاد شده شایسته توجه است.

۱۶. زین‌الدین العاملی [شهید ثانی]، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان،

الطبعه الثالثه: ۱۴۱۷ هـ ق، ص ۳۱۱.

۱۷. ابوالقاسم خویی، *منهاج الصالحین*، قم: مدینه العلم، الطبعه الثامنه والعشرون: ۱۴۱۰، تکمله: ص ۱۰۱.

اگر جنایت شبه عمدی را در واقع جنایت خطایی شبیه به عمدی بدانیم^{۱۸} - بدین صورت که فرد را به واسطه خطای در قصد خطاکار بدانیم نه عامد، اما مجازات او را از آن نظر که خودش ضامن پرداخت دیه است شبیه عمد به شمار آوریم - منظور از خطای محض همان عنوان خطا است اما نه در صورتی که شبه‌عمدی یا در حکم شبه‌عمدی باشد.

جنایت «در حکم شبه‌عمدی»، یا جنایتی عمدی است که با مرتکب آن به موجب اینکه جنایت مذکور را به سببی شرعی یا قانونی مجاز یا حتی واجب می‌دانسته است، همچون افراد غیرقاصد رفتار می‌شود که آن را ملحق به شبه‌عمد نیز می‌خوانند^{۱۹} یا جنایتی خطایی است که به موجب بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم مهارت یا عدم رعایت مقررات مربوط به امری واقع شده باشد. این جنایات به‌رغم آنکه از نظر ملاک خطایی هستند اما به واسطه تقصیر بزه‌کار با نوعی تشدید کیفر مواجه می‌شوند و همچون شبه‌عمدی به شمار می‌آیند.

اصطلاح شبیه خطا نیز تعبیر دیگری از شبه‌عمد است با این تفاوت که در تعبیر نخست این نوع جنایت عمدی شبیه خطایی تلقی شده و در تعبیر دوم خطایی شبیه عمدی^{۲۰}. با توجه به این اصطلاح معنای عمد محض نیز به روشنی فهمیده می‌شود که همان عمدی است که شبیه خطا نباشد.^{۲۱}

جنایت «در حکم خطای محض» جنایتی عمدی یا شبه‌عمدی است که از سوی فرد فاقد اهلیت کیفری واقع شده است. این نوع جنایت به‌رغم وجود عمد به واسطه شخصیت بزه‌کار، از نظر شیوه پاسخ‌گویی همچون خطای محض به شمار آمده و عاقله فرد ضامن دیه خواهد بود. این جنایت را ملحق به خطای محض نیز نامیده‌اند.^{۲۲}

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که فقیهان عبارت «غیر‌عمدی» را به عنوان اصطلاحی

۱۸. جعفر بن حسن حلی [محقق حلی]، *نفس المصنوع*، ج ۲، ص ۹۷۳.

۱۹. روح الله الموسوی الخمینی [امام خمینی]، *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الرابعة: ۱۴۱۵ هـ ق، ص ۴۹۹.

۲۰. زین‌الدین عاملی [شهید ثانی]، *نفس المصنوع*، ج ۳، ص ۳۴۲.

۲۱. روح الله الموسوی الخمینی [امام خمینی]، *نفس المصنوع*، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲۲. *نفس المصنوع*.

که حاکی از گونه خاصی از جنایت باشد به کار نبرده‌اند. اما گاه در کلمات ایشان کاربرد عمد را در مقابل نقیض آن (غیرعمد) که قصاص در آن فرض نمی‌شود و شامل همه عناوین یادشده ذیل خطا و شبه‌عمد می‌شود می‌توان مشاهده کرد.^{۲۳}

۲. جنایت غیرعمدی در سابقه قانون‌گذاری ایران

قوانین پیشین بر ادبیات قانونگذار در قانون مجازات اسلامی تأثیر داشته‌اند که آثار آن را می‌توان در بخش عمومی و تعزیرات به روشنی مشاهده کرد. از این‌رو تبارشناسی واژه جنایت غیرعمدی در متون قانونی پیش از انقلاب ضروری به نظر می‌آید. این واژه را می‌توان در قانون مجازات عمومی و قانون تشدید مجازات رانندگان ردیابی کرد.

۱-۲. قانون مجازات عمومی

فصل اول از باب سوم قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) بدون ارائه تعریف، قتل را در دو صورت عمدی و غیرعمدی مورد بررسی قرار داده و نوع اخیر را در صورتی که ناشی از بی‌احتیاطی یا مخالفت با نظامات دولتی باشد مستوجب مجازات دانسته بود (ماده ۱۷۴). ماده ۱۷۷ این قانون قتل غیرعمدی را که به واسطه بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته یا عدم رعایت نظامات دولتی تحقق می‌یافت جداگانه مورد توجه قرار داده و برای آن از یک تا سه سال حبس تأدیبی مقرر داشته بود. بدین ترتیب جرائم به دو دسته عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌شد که نوع اخیر را برخی حقوقدانان جرائم ناشی از بی‌احتیاطی نیز می‌نامیدند؛^{۲۴} زیرا جرائم غیرعمدی تنها زمانی منتهی به کیفر می‌شدند که نوعی خطای کیفری در آنها مشاهده می‌شد و جرائم غیرعمدی ساده قابل مجازات نبودند.^{۲۵} از این‌رو قتل یا ضرب و جرح غیرعمدی بر مبنای قانون مجازات عمومی به رفتاری ارادی اطلاق می‌شد که منجر به مرگ یا آسیب در بزه‌دیده شود اما فاعل آن خواست انجام فعل و تحقق نتیجه آن را نداشته باشد. چنین

۲۳. زین‌الدین عاملی [شهید ثانی]، *نفس المصدا*، ج ۳، ص ۳۰۹.

۲۴. عبدالحسین علی‌آبادی، *حقوق جنائی*، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴، ص ۹۴.

۲۵. ابراهیم پاد، *حقوق کیفری اختصاصی*، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم: ۱۳۵۲، صص ۱۷۲ و ۱۷۴.

عملی اگر ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی بود مستوجب کیفر شناخته می‌شد.

البته برخی نویسندگان حقوقی جرائم غیرعمدی ناشی از خطا را جرمی می‌دانستند که با اراده انجام فعل اما بدون سوء نیت تحقق یابد و سوء نیت را مجموع عمد در فعل و قصد نتیجه به‌شمار می‌آوردند.^{۲۶}

۲-۲. قانون تشدید مجازات رانندگان

قانون تشدید مجازات رانندگان (۱۳۲۸/۴/۱۴) که مواد ابتدائی آن را می‌توان منشأ اصلی ماده ۱۴۹ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و مواد ۷۱۴ تا ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی دانست جرم موضوع ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی را در خصوص وسایل نقلیه و رانندگان بسط می‌داد و مقرر می‌داشت که قتل یا صدمه ناشی از رانندگی اگر به‌واسطه بی‌احتیاطی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایل نقلیه زمینی یا آبی) و یا متصدی وسیله موتوری یا عدم رعایت نظامات دولتی پدید آمده باشد مستوجب مجازات راننده خواهد بود. این قانون که با توجه به ورود مواد آن به قانون مجازات اسلامی به‌طور ضمنی نسخ گردیده است به موجب آراء وحدت رویه دیوان وسایل نقلیه‌ای چون موتور سیکلت^{۲۷} و دوچرخه^{۲۸} و ماشینهای کشاورزی مانند تراکتور^{۲۹} را نیز دربرمی‌گرفت. مبنای اصلی رکن روانی در این قانون بی‌احتیاطی بوده است که آن را خطای مثبت می‌نامند^{۳۰} (در مقابل بی‌مبالاتی که آن را خطای منفی می‌گویند) اما در برخی از موارد ماده دو مانند سرعت بیش از حد مجاز، برخی از نویسندگان حقوقی بر این باور بوده‌اند که قانونگذار به‌واسطه سوء نیتی که از رفتار راننده قابل شناسایی است^{۳۱} نوع دیگری از جرم را که در آن «عمد احتمالی» قابل تصور

۲۶. همان، ص ۱۷۱.

۲۷. رأی وحدت رویه شماره ۱۱۹۰-۱۳۳۶/۳/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نقل از: مجموعه مدون قوانین و

مقررات جزائی، اداره فنی قوانین مجلس سنا، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰.

۲۸. رأی وحدت رویه شماره ۱۶۸۳-۱۳۳۶/۴/۲۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نقل از: همان.

۲۹. رأی وحدت رویه شماره ۳۷۰۱-۱۳۳۷/۷/۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نقل از: همان.

۳۰. عبدالحسین علی‌آبادی، پیشین، ص ۹۵.

۳۱. همان، ص ۱۷۳.

است در نظر داشته^{۳۲} و در مقام تشدید مجازات نبوده است.

۳. جنایت غیر عمدی در قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی به رغم آنکه به تبعیت از فقه امامیه جنایتها را از منظر رکن روانی به عمدی، خطایی و شبه عمدی تقسیم می‌کند (م ۲۰۴) و عناوین خطای محض، در حکم شبه عمد و در حکم خطای محض را نیز به کار می‌بندد، در مواد ۶۱۶ و ۷۱۴ تا ۷۱۷ با توجه به سابقه‌ای که از آن یاد شد اصطلاح قتل و ایراد صدمه غیر عمدی را نیز که برگرفته از نظام تقسیم جرائم در قانون مجازات عمومی است به کار می‌گیرد. با توجه به اینکه مبنای اولیه تقسیم جرائم در قانون مجازات اسلامی تقسیم سه‌گانه شناخته شده است و لفظ غیر عمد جایگاه روشنی را در این تقسیم ندارد صرف نظر از جنبه تعزیر مقرر شده برای این نوع جنایت، در خصوص وضعیت پرداخت دیه و ملحقات آن به ناچار باید وضعیت آن را به همان تقسیم مطرح شده در ماده ۲۰۴ ارجاع دهیم.

بعضی نویسندگان جرم غیر عمدی را همان جرم شبه‌عمدی دانسته‌اند.^{۳۳} بعضی دیگر با پذیرش همین دیدگاه^{۳۴} برخی موارد آن را به وجود عمد احتمالی راننده - مانند سرعت بیش از حد مجاز که در ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی آمده است - مشروط دانسته‌اند^{۳۵} و در مواردی مانند «عدم رعایت مقررات» اثبات رکن روانی را لازم ندانسته‌اند.^{۳۶} اداره حقوقی نیز در نظریه شماره ۷/۷۸۱ (۶۵/۲/۶) خود جرائم ناشی از حوادث رانندگی را شبه‌عمدی قلمداد کرده است.^{۳۷} این در حالی است که برخی از نویسندگان جنایت

۳۲. ابراهیم پاد، پیشین، صص ۲۰۸ و ۲۰۹.

۳۳. محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: مرکز نشر داد، چاپ اول: ۱۳۷۲، ص ۳۰۶.

۳۴. ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم: ۱۳۸۵، ص ۱۴۶.

۳۵. همان، ص ۱۳۷.

۳۶. ایرج گلدوزیان، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ هفتم: ۱۳۸۳، ص ۴۳۵.

۳۷. مجموعه قانون مجازات اسلامی، اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، تهران: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، چاپ ششم (ویرایش ششم): تابستان ۱۳۸۴، ص ۲۱۰.

غیرعمدی را در عرض تقسیم سه‌گانه یاد شده قرار داده‌اند^{۳۸} اما جنایات ناشی از رانندگی را به‌رغم واجد خصوصیت غیرعمدی دانستن^{۳۹} به استناد تبصره ذیل ماده ۶۱۶ جدا از بقیه جنایات غیرعمدی^{۴۰} به عنوان جنایتی تعزیری مورد بررسی قرار داده‌اند.^{۴۱}

تبصره ذیل ماده ۶۱۶ که جنایات ناشی از تصادفات رانندگی را از شمول ماده خارج می‌کند این تلقی را رقم می‌زند که این مواد از نوع چهارمی از جنایات سخن می‌گویند. چرا که به نحوی این نوع از جنایات را از نزدیک‌ترین موردی که می‌توانسته مشمول آن شود و تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (با مضمونی شبیه آنچه در مواد ۷۱۴ و ۶۱۶ آمده است) آن را جنایت در حکم شبه عمد می‌نامد، خارج می‌سازد.

ماده ۶۱۶ قتل غیرعمدی را که به‌واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شده علاوه بر پرداخت دیه مستوجب حبس از یک تا سه سال دانسته و در آخر با قید «مگر اینکه خطای محض باشد» قتل مورد بحث را از قتل خطای محض جدا می‌کند.

بسط جنایت غیرعمدی ناشی از رانندگی در مواد ۷۱۴ تا ۷۱۷ و تعیین شرایط ویژه تشدید مجازات در جرائم موضوع مواد فوق در ماده ۷۱۸ - که شامل مستی در موقع وقوع جرم، نداشتن پروانه رانندگی، حرکت با سرعت زیادتر از حد مجاز، استفاده از دستگاه موتور یا وجود نقص و عیب مؤثر در تصادف، عدم رعایت احتیاط در محل‌های مخصوص عبور پیاده و رانندگی در مسیر عبور ممنوع است - می‌تواند شاهد دیگری بر این مدعا باشد که مواد یاد شده نوع خاصی از جنایت را مدنظر دارد.

اما با مقایسه مضمون مواد ۲۹۵ و ۶۱۶ و ۷۱۴ نوعی وحدت ملاک را می‌توان در آنها مشاهده کرد، از این‌رو عنوان غیرعمدی ذکر شده در ماده ۷۱۴ حتی اگر از ماده ۶۱۶ خارج شده باشد منطبق بر عنوان مذکور در ماده ۲۹۵ خواهد بود. از سوی دیگر تبصره ذیل ماده ۶۱۶ نمی‌تواند حاکی از تمایزی در ماهیت جرم باشد و آن را باید ناظر به تمایز در مجازات دانست چون جز تفاوت مجازات‌ها در مواد ۶۱۶ و ۷۱۴ عنصری که تمایزی ماهوی

۳۸. حسین آقایی‌نیا، پیشین، ص ۱۸۳.

۳۹. همان، صص ۲۷۵ و ۲۸۶.

۴۰. همان، ص ۱۸۴.

۴۱. همان، ص ۲۳۲.

در ارکان این دو جنایت پدیدآورد مشاهده نمی‌شود و حضور وسیله نقلیه به عنوان یکی از شرایط رکن مادی جرم تنها می‌تواند در نوع مجازات آن تأثیرگذار باشد و نقشی در ماهیت جرم نخواهد داشت.

این در حالی است که مواد ۳۳۶ تا ۳۳۷ در خصوص برخورد دو خودرو با یکدیگر از عناوین دیگری بهره گرفته‌اند. ماده ۳۳۶ تقصیر را در مسؤولیت راننده دخیل دانسته در تبصره خود تقصیر را اعم از بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی برمی‌شمرد. ماده ۳۳۷ نیز از دو نوع برخورد به صورت شبه عمد و خطای محض سخن می‌گوید و تبصره ذیل آن از برخورد ناشی از عوامل قهری یاد کرده تصریح می‌کند که در چنین مواردی هیچگونه ضمانتی در بین نیست. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که بر اساس قانون جرم غیرعمدی ناشی از رانندگی خود می‌تواند در سه صورت جلوه‌گر شود: شبه عمد، خطایی و ناشی از عوامل قهری، و منحصر دانستن آن در یکی از عناوین درست نخواهد بود. چندانکه ماده ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان شرایط دعوی قتل در باب قصاص، مدعی قتل را ملزم به تعیین نوع قتل از لحاظ عمد یا غیرعمد می‌کند و بدین ترتیب قتل غیرعمدی را به عنوان قتل مستوجب دیه که اعم از شبه عمد و خطا است در مقابل عمد (مستوجب قصاص) قرار می‌دهد.

ماده ۳۳۶ همانگونه که اداره حقوقی نیز در نظریه شماره ۷/۱۵۱۱ (۱۳۷۳/۳/۱۳)^{۴۲} خود بیان داشته فاقد جنبه کیفری است، زیرا از سویی ضمانت اجرای موجود در ماده پرداخت خسارت می‌باشد و از سوی دیگر موضوع بحث آن صدمه به اموال است حال آنکه تخریب با توجه به ماده ۶۷۷ عنوانی عمدی به‌شمار می‌آید. اما تبصره ذیل این ماده در مقام بیان موارد تقصیر در صدمه غیرعمدی عام بوده آن را اعم از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی دانسته است که می‌تواند در فهم رکن روانی جنایت غیرعمدی به‌کار آید و از این‌رو با مواد ۶۱۶، ۷۱۴ و ۲۹۵ پیوند می‌خورد.

با توجه به وحدت ملاک موجود در رکن روانی جنایت موضوع ماده ۷۱۴ و تبصره ۳ ماده ۲۹۵ این جنایت را می‌توان در حکم شبه عمد دانست بدین معنا که اصل عمل

۴۲. مجموعه قانون مجازات اسلامی، اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ص ۳۱۲.

خطایی است اما با توجه به بی احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم مهارت... نوعی عمد نسبت به فعل قابل تصور خواهد بود که منجر می‌شود عمل از حالت خطای محض خارج شده و به شبه عمد نزدیک شود.

۴. جنایت غیر عمدی ناشی از رانندگی

وسیله نقلیه، همچون دیگر ابزارها می‌تواند در ارتکاب جنایت عمدی به‌کار گرفته شود. همچنین اگر راننده نسبت به فعلی که در خصوص بزه‌دیده واقع شده عامد باشد اما قصد جنایت نداشته باشد جنایت واقع شده شبه عمدی خواهد بود مانند اینکه با وسیله نقلیه قصد ضربه زدن به بدن دیگری را داشته باشد اما عمل وی منتهی به صدمه جسمی یا مرگ شود.

آنچه موضوع بحث مواد ۷۱۴ تا ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی در واقع حوادثی است که به موجب بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت مقررات قانونی به وقوع پیوسته‌اند و راننده هرگز قصد صدمه واقع شده را نداشته و در اقدام علیه فرد نیز عامد نبوده است، بلکه فرد مرتکب نوعی خطای کیفری شده است که به موجب آن صدمه‌ای جسمی یا جانی به دیگری وارد شده است. بدین ترتیب جنایت عمدی تخصصاً و جنایت شبه عمدی تخصصیاً از عنوان بحث این مواد خارج خواهد بود. اما این نکته به معنی عدم امکان ارتکاب جنایت عمدی یا شبه عمدی با وسیله نقلیه نیست چندانکه ماده ۳۳۷ به صراحت از جنایات شبه عمدی ناشی از تصادم یاد می‌کند.

با توجه به آنچه آمد نظریه شماره ۷/۷۸۱ مورخ ۶۵/۲/۶ اداره حقوقی که جرائم ناشی از حوادث رانندگی را شبه عمد به‌شمار آورده است صحیح به نظر نمی‌آید. زیرا، در این موارد راننده هرگز عمدی در فعل واقع شده بر بزه‌دیده نداشته است.

از سوی دیگر وقایع ناشی از عوامل قهری (موضوع تبصره ماده ۳۳۷) یا تقصیر دیگری (موضوع ماده ۳۳۳) نیز از موضوع بحث مواد ۷۱۴ تا ۷۱۸ خارج خواهد بود چه اینکه دانستیم عنصر تقصیر در قانون مجازات اسلامی نقش محوری در مسئولیت کیفری داشته، فقدان آن در موارد یادشده آنها را از شمول مواد مورد بحث خارج می‌سازد. بدین ترتیب، آنچه ذیل عنوان غیرعمدی مذکور باقی می‌ماند: عناوینی چون خطای

محض و در حکم شبه عمد خواهد بود.^{۴۳} تبصره ماده ۶۱۶ هرچند جرائم غیرعمدی ناشی از رانندگی را از شمول خود خارج می‌سازد اما در مقام بیان جنایت شبه عمدی معیارهای موجود در مواد ۷۱۴ تا ۷۱۸ را مطرح می‌کند و به صراحت آن را از خطای محض باز می‌شناسد.

وحدت رویه شماره ۳۲ - ۶۵/۸/۲۰ دیوان عالی کشور نیز جنایت واقع شده به واسطه بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی در رانندگی را به موجب تفریط در نفس جنایت در حکم شبه عمد قلمداد کرده است چندانکه آراء اصراری ۵۹ - ۱۳۶۳/۱۲/۱ (ردیف ۴۵/۶۳) و ۱۴۲ - ۱۳۶۸/۱۱/۱۰ (ردیف ۱-۶/۶۷) نیز عدم رعایت احتیاط را تفریط در نفس دانسته‌اند و بدین ترتیب رفتار واقع شده را جنایت در حکم شبه عمد خوانده‌اند.

دست‌آورد

با توجه به تقسیم سه‌گانه مواد ۲۰۴ و ۲۷۰ ق.م.ا. از جنایت بر اساس رکن روانی، عنوان غیرعمدی چندانکه از ماده ۲۳۰ می‌توان برداشت کرد اعم از شبه عمدی و خطایی است که به صراحت در ماده ۳۳۷ از آن یاد شده است. این در حالی است که اگر جنایت خطایی چندانکه ماده ۶۱۶ ق.م.ا. مقرر می‌دارد با تقصیر همراه باشد در حکم شبه عمدی خواهد بود و از جنایت خطای محض تفکیک می‌شود. بدین ترتیب جنایت غیرعمدی ناشی از رانندگی می‌تواند سه صورت داشته باشد: شبه عمدی، در حکم شبه عمدی و خطایی محض و آنچه در ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی و مواد پس از آن آمده است ناظر به جنایت در حکم شبه عمدی می‌باشد. بدین ترتیب اگر در صدمات ناشی از حوادث رانندگی نتوان موارد تقصیر مندرج در مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ را در خصوص فرد اثبات کرد، واقعه مذکور به حسب مورد می‌تواند جنایت خطایی محض یا صدمه‌ای که راننده در آن ضامن نیست (موضوع ماده ۳۳۳) یا ناشی از عوامل قهری (موضوع تبصره ماده ۳۳۷) دانست. اما در خصوص جنایت عمدی و شبه عمدی باید توجه داشت که در هر دو نوع جنایت یاد شده فرد باید در انجام فعل نسبت به بزه‌دیده عمد داشته باشد. اگر عامد قصد نتیجه واقع شده را نیز داشت عمل عمدی به‌شمار می‌آید و الا شبه عمدی خواهد بود.

۴۳. گفتیم جنایت در حکم خطای محض ماهیاً عمدی یا شبه عمدی است اما حکماً خطا به‌شمار می‌آید.

بدین ترتیب روشن می‌شود که محسوب کردن جنایت غیر عمدی موضوع مواد ۷۱۴ تا ۷۱۸ به عنوان نوع خاصی از جنایت یا شبه عمدی دانستن آن با ضوابط مندرج در قانون مجازات اسلامی سازگار نیست.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VI, No. 2

2007-2

Articles

- The SC Resolution 1803: Objective Dimensions of Iran's Nuclear Rights
- Legal Relations of Parties to Electronic Letter of Credit
- Illegality of Holding more than One Public Post in Iran: With a Glance at the French Legal System
- Private Military and Security Companies and International Humanitarian Law
- The Criterion of Political Offence in French Law and Effect of Supreme Courts on It
- Non-physical Harms and Compensatory Measures: A Comparative Study

Special Issue: Traffic Law

- The Impact of the Traffic Regulations on Social Behaviors
- Insurance and Traffic Law: A Connective Relationship
- Rights and Duties of the Pedestrians
- An Overview of Legal Measures to Protect Pedestrians
- Unintentional Homicide and Wounding Resulting from Driving Faults
- United Nations and Campaign against "Global Road Traffic Crisis"

Critique and Presentation

- A Critique of the Iranian Patents Act of 2008
- Policies and Procedures of the Interpol in Combating International Drug Trafficking

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study